

همچنان با ماریوبارگاس یوسا با دختری از پرو

نیلگون دریایی



* دختری از پرو.

* ماریوبارگاس یوسا.

* ترجمه خجسته کیهان

* چاپ اول، تهران: پارسه، ۱۳۸۸.

ماریوبارگاس یوسا، نویسنده سرشناس آمریکای جنوبی، در ۲۸ مارس ۱۹۳۷ در آرکپیا، واقع در جنوب پرو، در خانواده‌ای نسبتاً مرفه زاده شد. در اثر جدایی والدینش از یکدیگر، توسط پدر بزرگ مادری‌اش، که مناصب سیاسی - دولتی داشت، به مدرسه‌ای در بولیوی رفت و پس از آشتی پدر و مادر، به همراه خانواده عازم لیما شد. در آنجا توسط پدرش به آکادمی نظامی فرستاده شد و از همین آکادمی، دنیای نظامی به درون داستان‌هایش راه یافت.

تجربه دوران نوجوانی‌اش در جامعه نظامی به طرز ویژه‌ای در رمان شهر و سگ‌ها انعکاس یافت و این رمان، که ردی از عناصر نظامی داشت، توسط نظامیان سوزانده شد. او نخستین فعالیت ادبی خود را در ۱۹۵۲، با به صحنه بردن نمایشنامه فرار اینمادر پیورا آغاز کرد و پس از آن جوایز ادبی بسیاری را از آن خود کرد. آثار متعددی از او، چون مردی که حرف می‌زند، سوربز، واقعیت نویسنده‌گی، راز قتل پالو مینو مولرو، دوشیزه خانم تاکنا و سال‌های سگی، به ایران راه یافته‌اند. همچنین یکی از آخرین کارهای او به نام راهی به سوی بهشت نیز، که سرگذشت پل گوگن، نقاش فرانسوی، و مادر بزرگش، فلوراتریستان، نویسنده و فعال اجتماعی است، به‌زودی در ایران منتشر خواهد شد. گفته می‌شود این رمان نسبتاً طولانی، جزو آخرین آثار بارگاس است که توسط حمید یزدان‌پناه به فارسی برگردانده شده است. بیشتر کارهای او توسط عبدالله کوثری برگردانده شده است. هرچند اسدالله امرایی نیز بر روی آثار او کار کرده و چندی از آثار او را به فارسی ترجمه کرده است. مترجمان دیگری نیز بر روی آثار ماریو کار کرده‌اند. خجسته کیهان یکی از آنهاست. او دختری از پرو را در ۳۵۲ صفحه به فارسی برگردانده و این اثر در تیراژ ۳۳۰۰ نسخه توسط نشر کتاب پارسه به بازار کتاب عرضه شده است. رمان حاضر ماجرای «عشق» دیرین میان دو جنس مخالف در وسعت جغرافیای آمریکا و اروپاست که خواننده ایرانی را به یاد داستان ملودرام لیلی و مجنون می‌اندازد. بارگاس یوسا با قصه‌ای شرقی، بویژه داستان هزار و یک شب بیگانه نیست. او پیش‌تر این داستان را به صورت نمایشنامه‌ای بر روی صحنه تئاتر برده است و در یکی از آثار متأخرش، داستان‌هایی چون «علی‌بابا و چهل دزد بغداد»، «علاءالدین و چراغ جادو»، «سفرهای هفتگانه سندیاد» را در قالبی نو روایت کرده است. او در مقدمه همین اثرش، با اشاره به شخصیت‌های «شهرزاد» و «شهریار» در داستان‌های هزار و یک شب نوشته است: «در ادبیات تام

جهان، هرگز نمونه‌ای ساده و درخشان‌تر از این دو شخصیت برای نشان دادن نقش داستان در زندگی انسان وجود ندارد».

دختری از پرو نیز تمثیلی از روایت‌های عاشقانه سرزمین‌های شرقی دارد؛ اما آمیخته با حوادث اجتماعی - سیاسی سرزمین غرب در روزگاری که تب انقلاب‌های سوسیالیستی دامنه آنها را فراگرفت.

بارگاس سیاسی‌نویس در این کتاب ماجرای جهان سیاست دهه ۶۰ را بر حسب پدیده «عشق» روایت می‌کند. ریکاردو در دوران نوجوانی با دختری شیلیایی، که همگان او را «شیلیایی کوچک» می‌نامند، آشنا می‌شود و با دیدارهای پیاپی، حلقه‌ای از عشق بر ذهن او چنبره می‌زند؛ اما این عشق بناگاه در غیاب دختر گم می‌شود، تا آنکه مجدداً در پاریس پیدا می‌شود. ریکاردو که برای ادامه تحصیل و یافتن شغل به پاریس - پاریسی که به تب انقلاب کوبا مبتلا شده - آمده است، بناگاه «شیلیایی کوچک» را می‌بیند. شیلیایی کوچک در ناباوری خیره‌کننده، به یکی از احزاب چپ سیاسی پیوسته و در پی به دست آوردن ثروت و موقعیت برتر، در گرداب تلاطم‌های سیاسی افتاده است. زمانی با سیاستمداری مقتدر و متمول ازدواج می‌کند، زمانی دیگر او را رها می‌کند و همراه خود، «عشق» دیرپای پرویی را عازم سفرهای متعدد جغرافیایی می‌کند. سرگذشت این عشق همواره در لحظه وصل دست‌نیافتنی است و به همراه افت و خیزهای آن، با نابسامانی‌های فرهنگی - سیاسی دهه ۶۰ نیز مواجه می‌شویم. در صفحه ۸۹ کتاب می‌خوانیم: «پس از ورود به پاریس، آن را سالم یافتیم؛ زیرا در واقع انقلاب ماه مه ۱۹۶۸ از کار تبه لائن و سن ژرمن دپره فراتر نرفته بود. برخلاف اکثر پیش‌بینی‌ها، در آن روزهای سرخوشی حوادث سیاسی روی نداد، جز اینکه سقوط ژنرال دوگل شتاب گرفت، دوران کوتاه پنج‌ساله ریاست جمهوری ژرژ مپمیدو آغاز شد و حضور چپی مدرن‌تر از حزب کمونیست فرانسه ... آشکار گردید. آداب و رسوم و نگرش‌های اخلاقی آزادتر شد؛ اما از نظر فرهنگی، با از میان رفتن یک نسل از افراد سرشناس - فرانسوا موریک، آلبر کامو، ژان پل سارتر، ریمون آرون، مرلو پنتی و آندره مالرو - این سال‌ها با کاهش نامحسوس در کیفیت فرهنگ همراه بود؛ به طوری که پیشوایان فکری به جای نوآوری، منتقد شدند. ابتدا به شیوه میشل فوکو و رولان بارت به ساختارگرایی گرایش یافتند؛ سپس تحت تأثیر ژیل دلوز و ژاک دریدا، ساختارشنکی را برگزیدند و فنون بیان فضل‌فروشانه و مبهمی به کار بردند که آنها را هرچه بیشتر در تفاسیر شبه‌مذهبی و یقینشان منزوی و از مردم دور می‌ساخت. بر اثر این دگرگونی بود که زندگی فرهنگی رفته‌رفته مبتذل شد».

خواندن این کتاب برای آنان که با آثار یوسا آشنایی دارند، خالی از لطف نیست.